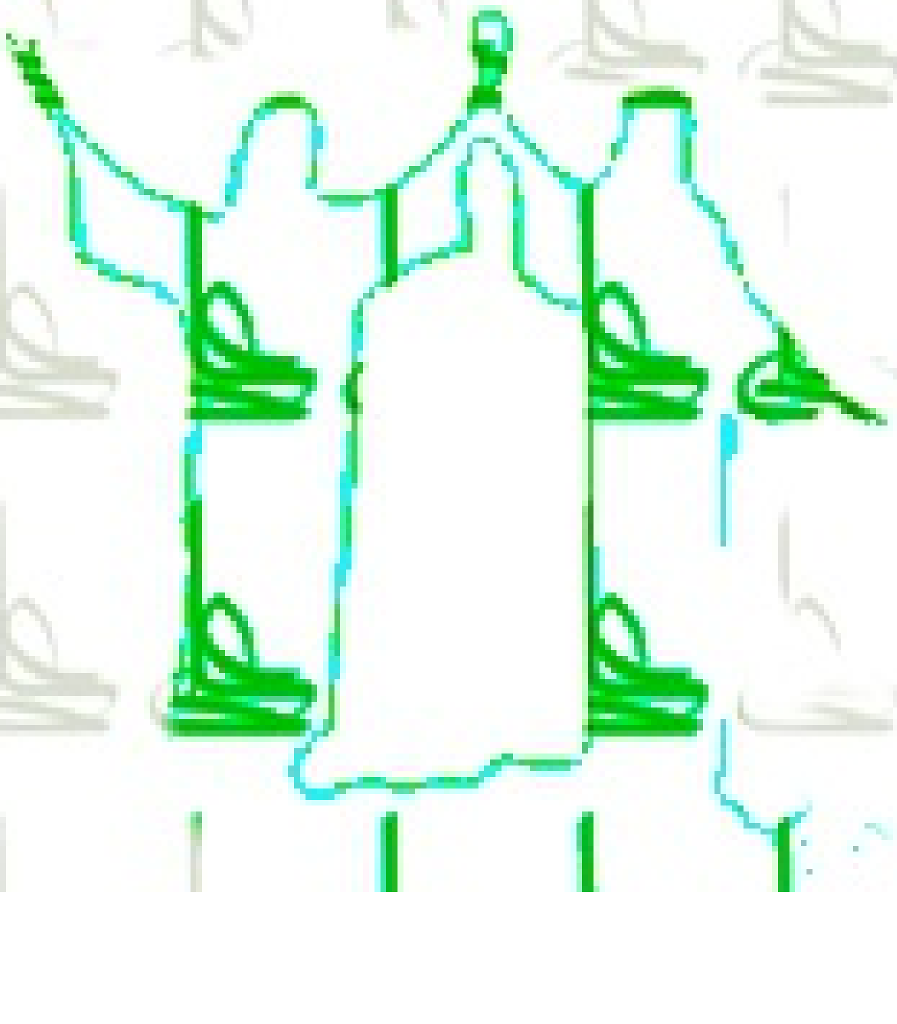
در غربت
خطبه ای

مهدی آقابابایی



بسم الله الرحمن الرحیم

خطبه ای در غربت

نویسنده:

مهدی آقابابائی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
خطبه ای در غربت ----- ۶
مشخصات کتاب ----- ۶
ضرورت شناخت غدیر و آثار آن ----- ۶
الأجل و سابقوا ----- ۸
ترجمه ی خطبه ----- ۹
روز دلیل بر پیشهنگان و ره نمایان است. ----- ۱۲
منابع و مآخذ ----- ۱۴
درباره مرکز ----- ۱۴

خطبه ای در غربت

مشخصات کتاب

نویسنده : مهدی آقابابایی

ناشر : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ضرورت شناخت غدیر و آثار آن

غـدیر یک رخداد تاریخی صـرف یا تنها یک گذرگاه جغرافیایی نیست، یک سـر فصل اعتقادی است که درونمایه همه ی طاغوتها از آن منشأ می گیرد. و رسـالت همه ی پیامبرانـدر آنجـا مفهوم می یابـد، و همه ی رشـدها، تعالیها از آنجا اغاز می شود ، بنابراین، شناخت غـدیر، از ضـروری ترین و بنیادی ترین شـناختهای اعتقادی است. بـدون شـناخت غـدیر اگر عبادتها، بی شـمار و طاعتها بی حساب گردد به کاهی نمی ارزد.

از سوی دیگر اگر غدیر، که محتوای واقعی همه ی دین است، درست شناخته شود، انسان همدست فرشتگان می گردد.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

« ... والله عرف الناس فضل هـذا الیوم بحقیقته لصافحتهم الملائکه فی کل یوم عشـر مرات و لولا انی اکره التطویل لذکرت من فضـل هذا الیوم و ما اعطی الله فیه من عرفه ما لا یحصی بعدد».(۱)

به خـدا سوگنـد ، اگر مردم ارزش روز غـدیر را شـناخته بودنـد روزی ده بـار، فرشـتگان با آنان مصافحه می کردنـد. و اگر به درازا کشـین سـخن برا یمن ناگوار نبود درباره ی ارجمنـدی این روز و فضـیلتهایی که خداوند متعال به کسانی که آن را شـناخته اند داده است، چنان بسط سخن می دادم که به شمار نیاید.

بنـابراین اکنـون بایـد بسـیاری از کاستیهـای معنـوی را در ناشـناختن عیـد غـدیر جسـتجو کنیـم و سررشـته ی همه ی کمبودهـا را از ناشناختگی اقیانوس غدیر بدانیم.

خطبه ای که در پیش روی شـماست یکی از خطبه های شورآفرین، راه آموز تیرگی سوز حضرت علی علیه السلام است که در روز جمعه ای همزمان با عید غدیر ایراد گردیده است.

این خطبه از میراثهای گرانقدر ان حضرت و یک منشور عقیدتی، سیاسی، اخلاقی برای جهان اسلام است.

این خطبه یـک سـند بین المللی جهـان اسـلام است و می توانـد برای همه ی فرقههـا مورد اسـتناد و احتجـاج قرار گیرد، شـیهه هـای اعتقادی را بزداید ، پرده های کهنه توطئه را کنار بزند و مرز بندیهای اعتقادی پدید آمده از جهل را بزداید.

در این خطبه پایه های اساسی اعتقادات ، بیان گشته است و پیوند امامت با توحی و نبوت به صراحت ذکر شده است.

شکوه و والایی غدیر، آداب و سنن غدیر، اهمیت اعمال در روز غدیر، پیشینه ی غدیر، عظمت معنوی غدیر، در سخنان امیرالمومنین علیه السـلام چونن آفتـاب می درخشـد و گلواژه هـای خطابه اش بسان ذوالفقارش تیرگیهای تاریخی ار می شـکافد. با هزاران دریغ بایـد بگوییم: این خطبه ی نور آفرین، در هـاله ای از غربت، روزگـار را سپری کرده است و آنچنـان که بایـد در دسترس توده هـای مسلمان و شیعیان آن حضرت قرار گیرد قرار نگرفته است.

چون مرحوم رضـی (رحمه الله علیه) که قصد تدوین همه ی سـخنان حضـرت علی علیه السـلام را نداشته است، این خطبه را در نهج البلاغه ارائه نکرده و غالب کتابهایی که به عنوان مسـتدرک و متمم نهج البلاغه، در تاریخ، نگارش یافته، بدون این خ طبه نشر یافته است.

و بـدین سان، این میراث گهربار و معرفت آموز، از تداول و دستیابی بسـیاری از دانش پژوهانی که به منابع کهن و اصـیل اسـلامی ، راه ندارند، دور مانده است، با این که از درخشان ترین پرچم های اعتقادی تشیع است.
مـا بر این بـاوریم که غربت این خطبه، یـک خلأ کهنه و دیرین دینی و اعتقادی است و شـناخت آن، پژوهش و کاوش در معارف و پیامهای آن، نشر و گسترش آن ، برای همه ی جویندگان حقیقت و پیروان ولایت، ضرورت دارد.
اینک بسـیار خرسـندیم که این خطبه در دسترس همگان قرار می گیرد، متن آن با تصـحیح و مقابله ارائه می شود و برگردان فارسی تقدیم می گردد.
روی الشیخ الطوسی ره فی متهجده عن الرضا ع عن أبیه عن آبائه علیهم السلام:
قال اتفق فی بعض سنی أمیر المؤمنین ع الجمعـهٔ و الغـدیر فصـعد المنبر علی خمس ساعات من نهار ذلک الیوم فحمـد الله حمـدا لم یسمع بمثله و أثنی علیه ثناء لم یتوجه إلیه غیره فکان مما حفظ من ذلک الحمد لله الذی جعل الحمد من غیر حاجهٔ إلی حامدیه [إلیه] و طریقا من طرق الاعتراف بلاهوتیه و صـمدانیه و ربانیه و فردانیه و سـببا إلی المزید من رحمته و محجهٔ للطالب من فضـله و کمن فی إبطان اللفظ حقیقهٔ الاعتراف بأنه المنعم علی خلقه باللفظ و إن عظم و أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شریک له شهادهٔ تعرب عن إخلاص الطوی و نطق اللسان بها عبارهٔ عن صدق خفی إنه الخالق البارئ المصور له الأسماء الحسنی لیس کمثله شیء إذ کان الشیء من مشـیته و کان لا یشـبهه مکونه و أشـهد أن محمـدا ص عبـده و رسوله اسـتخلصه فی القدم علی سائر الأمم علی علم منه انفرد عن التشاکل و التماثل من أبناء الجنس و انتجبه آمرا و ناهیا عنه أقامه فی سائر عالمه فی الأداء مقامه إذ کان لا تـدرکه الأبصار و لا تحویه الأفکار و لا تمثله غوامض الظنون و الأسرار لا إله إلا هو الملک الجبار قرن الاعتراف بنبوته بالاعتراف بلاهوتیته و اختصه من تکریمه و خلته إذ لاـ یختص من یشوبه التغییر و لاـ یخالـل من یلحقه التظنین و أمر بالصـلاهٔ علیه مزیـدا فی تکریمه [تکرمته] بمـا لم یلحقه فیه أحـد من بریته فهو أهل ذلک بخاصـته و طریقا للـداعی إلی إجابته فصـلی الله علیه و کرم و شـرف و عظم مزیـدا لا یلحقه التنفید و لا ینقطع علی التأبید و إن الله اختص لنفسه بعد نبیه ص من بریته خاصهٔ علاهم بتعلیته و سـما بهم إلی رتبته و جعلهم الدعاهٔ بالحق إلیه و الأدلاء بالإرشاد علیه لقرن قرن و زمن زمن أنشأهم فی القدم قبل کل مذروء و مبروء أنوارا أنطقها بتحمیده و ألهمها بشکره و تمجیده و جعلها الحجج علی کل معترف له بملکهٔ الربوبیهٔ و سلطان العبودیهٔ و استنطق بها الخرسات بأنواع اللغات بخوعا له بأنه فاطر الأرضین و السـماوات و أشـهدهم علی خلقه و ولاهم ما شاء من أمره و جعلهم تراجمهٔ مشیته و ألسن إرادته عبیدا لا یسبقونه بالقول و هم بأمره یعملون یعلم ما بین أیدیهم و ما خلفهم و لا یشـفعون إلا لمن ارتضـی و هم من خشـیته مشـفقون یحکمون بأحکامه و یستنون بسنته و یقیمون حـدوده و یؤدون فروضه و لم یـدع الخلق فی بهم صـماء و لا فی عمی بکماء بل جعل لهـم عقولا مازجت شواهدهم و تفرقت فی هیاکلهم حققها فی نفوسـهم و اسـتعبد بها [لها] حواسـهم فقررتها علی أسـماع و نواظر و أفکار و خواطر ألزمهم بها حجته و أراهم بها محجته و أنطقهم عما شـهد به بألسن دربهٔ بما قام فیها من قدرته و حکمته و بین عندهم بها من عظمته لیهلک من هلک عن بینهٔ و یحیا من حی عن بینـهٔ و إن الله لسـمیع بصـیر شاهـد خبیر و اعلموا أن الله جمع لکم معشـر المؤمنین [المسـلمین] فی هـذا الیوم عیـدین عظیمین کبیرین لا یقوم أحدهما إلا بصاحبه لیکمل عندکم جمیل صنعه و یقفکم علی طریق رشده و یقفو بکم آثار المستضیئین بنور هـدایته و یسـهل لکم منهـاج قصـده و یوفر علیکم هنیء رفـده فجعـل الجمعـهٔ مجمعـا نـدب إلیه لتطهیر مـا کان قبله و غسل ما أوقعته مکـاسب السوء من مثله إلی مثله و ذکری للمؤمنین و بیان خشـیهٔ المتقین و وهب من ثواب الأعمال فیه أضـعاف ما وهب لأهل طاعته فی الأیـام قبله و جعله لاـ یتم إلاـ بالائتمـار بمـا أمر به و الانتهـاء عمـا نهی عنه و البخوع بطـاعته فیمـا حث علیه و نـدب إلیه و لا یقبل توحیـده إلا بالاعتراف لنبیه ص بنبوته و لا یقبل دینا إلا بولایهٔ من أمر بولایته و لا تنتظم أسـباب طاعته إلا بالتمسک بعصـمته و عصـم أهـل ولاـیته فـأنزل الله علی نبیه ص فی یوم الـدوح مـا بین به عن إرادته فی خلصـائه و ذوی اجتبائه و أمره بالبلاغ و أنزل الخبل بأهل الزیغ و النفاق و ضمن له عصمته منهم و کشف من خبایا أهل الریب و ضمائر أهل الارتداد ما رمز فیه فعقله المؤمن و المنافق فأعرض

معرض و ثبت على الحق ثابت و ازدادت جهالـة المنافق و حمية المارق و وقع العض على النواجذ و الغمز على السواعد و نطق ناطق و نعق نـاعق و نشق ناشق و اسـتمر على مارقيته مارق و وقع الإذعان من طائفـة باللسان دون حقائق الإيمان و من طائفـة باللسان و صـدق الإيمان و أكمل الله دينه و أقر عين نبيه ص و المؤمنين و التابعين و قد كان ما شـهده بعضـكم و بلغ بعضـكم و تمت كلمة الله الحسنى على الصابرين و دمر الله ما كان يصنع فرعون و هامان و قارون و جنودهم و ما كانوا يعرشون و بقيت حثالة من الضلالة لا يألون الناس خبالا يقصدهم الله فى ديارهم و يمحو آثارهم و يبيد معالمهم و يعقبهم عن قرب الحسـرات و يلحقهم بمن بسط أكفهم و مد أعناقهم و مكنهم من دين الله حتى بـدلوه و من حكمه حتى غيروه و سـيأتى نصـر الله على عدوه لحبيبه و الله لطيف خبير و فى دون ما سـمعتم كفاية و بلاغ فتأملوا رحمكم الله ما ندبكم الله إليه و حثكم عليه و اقصدوا شرعه و اسلكوا نهجه و لا تتبعوا السبل فتفرق بكم عن سبيله إن هذا يوم عظيم الشأن فيه وقع الفرج و رفعت الدرج و وضـحت الحجج و هو يوم الإيضاح و الإفصاح و الكشف عن المقام الصـراح و يوم كمـال الـدين و يوم العهـد المعهود و يوم الشاهـد و المشـهود و يوم تبيـان العقود عن النفـاق و الجحود و يوم البيـان عن حقائق الإيمان و يوم دحر الشيطان و يوم البرهان هـذا يوم الفصل الـذى كنتم به تكـذبون هـذا يوم الملأ الأعلى إذ يختصـمون هـذا يوم النبأ العظيم الـذى أنتم عنه معرضون هـذا يوم الإرشاد و يوم محنة العباد و يوم الدليل على الرواد هذا يوم إبداء خفايا الصدور و مضـمرات الأمور هـذا يوم النصوص على أهل الخصوص هـذا يوم شـيث هذا يوم إدريس هذا يوم هود هذا يوم يوشع هذا يوم شـمعون هذا يوم الأمن المأمون هذا يوم إظهار المصون من المكنون هذا يوم إبلاء السرائر فلم يزل ع يقول هذا يوم هذا يوم فراقبوا الله و اتقوه و اسمعوا له و أطيعوه و احـذروا المكر و لا تخادعوه و فتشوا ضـمائركم و لا تواربوه و تقربوا إلى الله بتوحيده و طاعة من أمركم أن تطيعوه و لا تمسكوا بعصم الكوافر و لا يجنح بكم الغى [و لايجنح بكم العمى] فتضلوا عن سبيل الرشاد باتباع أولئك الذين ضلوا و أضلوا قال الله عز من قائل فى طائفة ذكرهم بالذم فى كتابه إِنَّا أَطَعْنا سادَتَنا وَ كُبَراءَنا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا رَبَّنا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذابِ وَ الْعَنْهُمْ لَعْناً كَبِيراً و قال وَ إِذْ يَتَحاجُّونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعاً فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذابِ اللَّهِ مِنْ شَيْ‌ءٍ قالُوا لَوْ هَدانَا اللَّهُ لَهَدَيْناكُمْ أ تدرون الاستكبار ما هو؟

هو ترك الطاعـة لمن أمروا بطاعته و الترفع على من ندبوا إلى متابعته و القرآن ينطق من هذا عن كثير إن تدبره متدبر زجره و وعظه و اعلموا أيها المؤمنون أن الله عز و جل قال إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيانٌ مَرْصُوصٌ أ تدرون ما سبيل الله و من سبيله [و ما صـراط الله] و من طريقه أنا صـراط [سبيل] الله الذى من لم يسـلكه بالطاعة لله هوى به إلى النار و أنا سبيله الذى نصبنى الله للاتباع بعد نبيه ص و أنا قسيم الجنة و النار و أنا حجة الله على الفجار و الأبرار فانتبهوا من رقده الغفلة و بادروا العمل قبل حلول

الأجل و سابقوا

إلى مغفرة من ربكم قبل أن يضـرب بالسور بباطن الرحمة و ظاهر العذاب فتنادون فلا يسـمع نداؤكم و تضجون فلا يحفل بضجيجكم و قبـل أن تسـتغيثوا فلا تغـاثوا سـارعوا إلى الطاعـات قبـل فوت الأوقـات فكـان قـد جاءكم هادم اللـذات فلا مناص نجاة و لا محيص تخليص عـودوا رحمكـم الله بعـد انقضـاء مجمعكم بالتوسـعة على عيـالكم و البر بـإخوانكم و الشـكر لله عز و جـل على مـا منحكم و اجتمعوا يجمع الله شـملكم و تباروا يصل الله ألفتكم و تهانوا نعمـة الله كما هنأكم بالثواب فيه على أضـعاف الأعياد قبله و بعـده إلا فى مثله و البر فيه يثمر المال و يزيد فى العمر و التعاطف فيه يقتضى رحمة الله و عطفه فافرحوا و فرحوا إخوانكم باللباس الحسن و الرائحة الطيبـة و الطعـام و هيئوا لإخوانكم و عيـالكم عن فضـله [فضـل] بالجود [بالجهـد] من موجودكم و بما تناله القـدرة من اسـتطاعتكم و أظهروا البشـر فيما بينكم و السـرور فى ملاقاتكم و الحمـد لله على ما منحكم و عودوا بالمزيد من الخير على أهل التأميل لكم و ساووا بكم ضـعفاءكم فى مأكلكم و ما تناله القدرة من استطاعتكم و على حسب إمكانكم فالدرهم فيه بمائة ألف درهم و المزيد من الله عز و جل ما لا دركَ له و صوم هـذا اليوم مما نـدب الله إليه و جعل الجزاء العظيم كفالة عنه حتى لو تعبد له عبد من العبيد فى التشبيه من

ابتداء الدنيا إلى انقضائها صائما نهارها قائما ليلها إذا أخلص المخلص فى صومه لقصرت إليه أيام الدنيا عن كفاية و من أسعف أخاه مبتدئا أو بره راغبا و أقرضه فله أجر من صام هذا اليوم و قام ليله و من فطر مؤمنا فى ليلته فكأنما فطر فئاما فئاما يعدها بيده عشرة فنهض ناهض و قال ما الفئام يا أمير المؤمنين قال مائة ألف نبى و صديق و شهيد فكيف بمن يكفل عددا من المؤمنين و المؤمنات و أنا ضمينه [ضمنته] على الله تعالى الأمان من الكفر و الفقر و إن مات فى يومه أو فى ليلته أو بعده إلى مثله من غير ارتكاب كبيرة فأجره على الله سبحانه و من استدان لإخوانه و أعانهم فأنا الضامن على الله عز و جل إن بقاه قضاه و إن قبضه قبل تأديته له حمله عنه و إذا تلاقيتم فتصافحوا بالتسليم و تهانوا النعمة فى هذا اليوم و ليبلغ الحاضر الغائب و الشاهد البائن و ليعد الغنى على الفقير و القوى على الضعيف أمرنى رسول الله ص عن الله عز اسمه بذلك ثم أخذ ع فى خطبة الجمعة و جعل صلاة جمعة صلاة عيده و انصرف بولده و شيعته إلى منزل أبى محمد الحسن ع ابنه بما أعد له من طعام و انصرف غنيهم و فقيرهم برفده إلى عياله.(۲)

ترجمه ی خطبه

طوسی که نود سال از عمرش سپری شده بود، در سال ۲۵۹ هجری قمری گفت: در روز غدیر، شرفیاب محضر حضرت ابئالحسن ، علی بن موسی ارضا علیه السلام بودم، گرد ایشان گروهی از یاران خاصشان حضور داشتند که حضرت، آنان را برای افطار، نگه داشته بودند با این که خوراک، عطیّه، هدایا، پوشیدنی و حتی انگشتری ها و کفشهایی پبرای خانواده های آنان فرستاده بودند..

حضرت، احوال آنان و کسانی را که پیراموشان بودند، دگرگون ساختند و سامان بخشیدند.

در آن روز ، ابزار و وسایل تازه ای به کار گرفتند، غیر ابزاری که معمولاً روزهای پیش به کار می گرفتند، و پیوسته ارجمندی و پیشینه ی روز غدیر را یادآور می شدند. بخشی از سخنانشان این بود:

پدرم از پدرش امام صادق علیه السلام و او از پدرش امام باقر علیه السلام و او از پدرش امام سجاد علیه السلام و او از پدرش امام حسین علیه السلام روایت کردند: در روزگار امیرالمؤمنین ، علی علیه السلام یک سال، روز جمعه با عید غدیر همزمان گشت.

امیرالمؤمنین علیه السلام پس از گذشت پنج ساعت از روز، برفراز منبر رفتند و خدا را ستودند ستودنی که همانند آن، شنیده نشده بود، ستایشی که کسی غیر از او درک نمی کرد.

آنچه از سخنان به یاد مانده، چنین است:

ستایش، ویژه ی خداوندی است که بدون نیاز به ستایشگر خویش، ستودن را شیوه ای اعتراف به ذات برین، بی نیاز، ربوبی و یگانه خویش ساخته است، و سببی برای افزودن رحمتش قرار داد و مسیری برای جویندگان اعتراف به منعم بودنش را در نهانِ واژه ها مستور داشت، هر چند الفاظ بزرگ باشد.

و گواهی می دهم که معبودی جز خداوند یگانه ی بی نیاز نیست، شهادتی که نشانگر اخلاص درونی است و زبان، آن را با عبارتی بر آمده از صداقت نهانی می گوید.

« آفریننده ی پدید آور نقش پردازی که دارای نامهای نیکو است» و « چیزی مانند او نیست»؛ زیرا چیزها به خواست او پدید آمده است پس پدیده اش مثل او نمی شود. و گواهی می دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده ی اوست. و او را از زمان پیشین ، ویژه ی خود ساخت. و بر دیگر امتها آگاهانه برگزید. او همگون آدمیزادگان نیست.

خداوند، او را انتخاب کرد تا فرمان دهنده و باز دارنده از سوی او باشد. و او را جانشین خود در دیگر جانها ساخت. « چون دیده ها خدا را نمی بیند». و گذراندیشه ها بر او نمی افتد و در قلمرو اسرار، گمانهای پنهان همتایی برای او نمی یابد.

خدایی غیر از ان فرمانفرمای سامان بخش نیست.

خداوند، اعتراف به نبوت رسول اکرم صلی الله علیه و آله راقرین اعتراف به خداوندی خویش ساخت واو را با بزرگداشت خود،

ویژه ی چیزهایی قرار داد که هیچ موجودی به او نرسید.

او بایسته ی چنین منزلتی بود به جهت پیراستکی و صداقتش، چون ویژه ی چنان مرتبتی نمی گردد کسی که دگرگونی با او بیامیزد، و رشته ی دوستی را پاس نمی دارد کسی که به دام گمان می افتد.

و خداوند، فرمان داد که بر او درود بفرستیم تا بزرگداشتش افزونتر گردد و راهی باشد برای اجابت دعای آن کس که او را می خواند.

پس خداوند بر او درود فرستاد، گرامیش داشت، ارجمندش ساخت و تا آنجا عظمتش داد که آن را کرانه ای نیست و تا همیشه ی زمان، چنین است.

بی تردید، خدای والا ـ پس از پیامبر صلی الله علیه و آله گروه خاصی را ویژه ی خود کرد، و به آنان، والایی بخشید و آنان را تا مرتبت او بالا برد، و آنان را به راستی ، دعوت کنندگان به سوی خود قرار داد راهنمایانی که قرن به قرن و زمان به زمان مردم را به سوی او هدایت کنند.

آنان را از دیرباز به گونه ی نورهایی آفرید پیش از این که هر پدیده ای را پدید آورد.

و خداوند ، آنان را به ستایش خویش گویا ساخت و سپاسگزای و مجد ستایی خود را به آنها الهام کرد. و آنان را حجت هایی قرار داد بر هر کس که به ملکوت ربوبیتش و به عبودیت خویش، اعتراف دارد.

و به وسیله ی آن انوار، آنان را که توان گفتن نداشتند، به زبانهای گوناگون، گویا ساخت، تا به خداوندیش اقرار کنند. بی شک او شکافنده ی زمینها و آسمانهاست. و آنان را بر آفرینش خود گواه کرد ، و آنچه می خواست از ولایت امرش بدانها سپرد. و آنان را تفسیر کنندگان و بیانگران اراده اش قرار داد.

آنان بندگانی هستد که « در سخن گفتن، بر او پیشی نمی گیرند و به دستور او عمل می کنند، او آنچه را فراروی آنان و آنچه پشت سرشان است، می داند و جز برای کسی که [خدا] رضایت دهد، شفاعت نمی کنند و خود از بیم او هراسانند» بر اساس قوانین او فرمان می دهند، سنّتش را اجرا می کنند، حدود او را بر پا می دارند و واجبات او را ادا می کنند.

خداوند بندگانش را چونان ناشنویان ، در دشواریها رها نکرده است و در تیرگیهای ناپیدا، بسان بی زبانان، وانهاده است، بل برای آنان، خردهایی قرار داده که بااعضایشان آمیخته است، و در کالبدهایشان گسترده شده و در جانهایشان استوار گشته و حواس آنان را برده ی آن خردها ساخته است. و به وسیله ی آن عقلها، بر گوشها، نگاه ها، اندیشه ها و خاطره ها اقرار گرفته است.

و به واسطه ی آن عقلها ، پایبند حجت کرده است و راهش را بدانها نشان داده است. و آنان را از آنچه گواه بود با زبانهای رسا گویا ساخت به سبب قدرت و حکمتی که در این خردها پایدار کرد و به کمک این خردها در پیش آنان بیان کرد. « تا کسی که [باید] هلاک شود، با دلیلی آشکار هلاک گردد و کسی که [باید] زنده شود با دلیلی واضح زنه بماند و خداست که در حقیقت شنوای داناست»، او بینا، گواه و آگاه به چیزهای پنهان است.

و آنگاه، ای جامعه یمومنان، امروز، خداوند برین، دو عید گرانسنگ و بزرگ را به هم پیوسته است. دو عیدی که پایداری و استواری هر کدام از اینها به دیگری است، تا پدیده ی زیبای خویش را پیش شما کامل کند، شما را به راه رشدش آگاه سازد و پیرو آثار نور گرفتگان از نور هدایتش گرداند. و راه میانه اش را برای پیمودن شما هموار کند و بخشش گوارایش را برایتان بگستراند.

چس جمعه را مجمعی قرار داد و به سوی آن فرا خواند، تا آلودگیهای پیش از جمعه را پاک گرداند. و آنچه، داد و ستدها و دست آوردهای ناروا، در بین هفته پدید آورده است، بشوید. و یادآوری برای مؤمنان و نشانگر پروای تقوا پیشگان باشد.

و خداوند، پاداش کارهای ا هل طاعت خویش را در روز جمعه، چندین برابر روزهای پیشین ساخت.

واینها نافرجام است مگر با انجام دادن و پـذیرش آنچه به آن، امر کرده است، و خودداری از آنچه ما را باز داشـته و گردن نهادن به چیزهایی که ما را به آنها تحریک کرده و فرا خوانده است.

بنابراین، خداونـد، توحیدش را مگر با نبوت پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله نمی پذیرد. و هیچ آیینی را مگر با ولایت کسانی که به ولایتشان فرمان داده، قبول نمی کند.

و زمینه هـا و انگیزه هـای طاعتش تنها با چنگ زدن به دست آویزهای او و دست آمیزهای اهل ولایت او تنظیم می گردد. از این رو خداونـد بزرگ، در روز غـدیر (روز گرد همـایی در کنار درختان) بر پیامبرش فرو فرسـتاد آیاتی را که اراده اش را درباره ی یاران پاک و پیراسته و برگزیدگانش، بیان کرد.

و به اوفرمـان داد تا پیامش را به مردم برسانـد و از باطل گرایان و دو رویان، نهراسـد و به عهـده گرفت تا او را از آسـیب آنان، پاس دارد.

و از رازهـای نهفته در دل اهـل شک و ازد رونهای مردم از دین برگشـته، پرده برداشت. و به گونه ای به اینها اشاره کرد که مؤمن و منافق فهمیـد و آنگاه معرض، روی گردانـد، و آن که در قلمر حق، ثابت بود، پایدار گشت و نادانیِ منافق و تعصبِ از دین برگشـته ها افزونی یافت.

دنـدانهای پسـین را بر هم فشـردند و بازوها را فشار دادند، گوینده ای سـخن گفت، بانگ بر آورنده ای بانگ برآورد و در دام افتاد آن که در دام افتاد.

و برخی راه برگشتگی خویش را پی گرفتند و گروهی تنها با زبان و بدون باور حقیقی، اعتراف کردند.

و بعضی با زبان و باور راستین اقرار کردند.

خداوند، در آن روز، دینش را کمال بخشید و چشمان پیامبر صلی الله علیه و آله و چشم مؤمنان و پیروان را خنک گرداند.

و اتفاق افتاد آنچه برخی از شما گواه آن بودید و خبرش به برخی دیگرتان رسید.

و فرهنگ نیکوی خداوندی بر شکیب پیشگان، تمام شد.

و خداوند، آنچه را که فرعون، هامان، قارون و سپاهیانشان ساخته بودید، ویران کرد و کاخهایشان را تباه ساخت.

گروه انـدکی از گمراهان باقی مانـده انـد که « از هیـچ نابکاری در حق مردم، کوتاهی نمی کننـد». خداونـد می خواهـد آنان را در سرزمینشان، عذاب کند و آثارشان را ناپدید سازد و نشانه هایشان را تباه گرداند و به زودی حسـرتها را بدرقه ی کاروان زندگیشان می کند. و آنان را با کسانی که دستشان را برای جنایت گشودند و گردن کششان ساختند، ملحق می سازد.

کسانی که آنان را توانا ساختند تا در دین خدا دست برند و حکم خدا را دگرگون کنند.

و حتماً نصـرت خداونـد، به سود رسول خود و به زیان دشـمنان او فرا می رسد و « خداوند ، لطیف و آگاه است». و شـما را کمتر از آنچه شنیدید کافی و بسنده است.

خداوند، رحمتتان کند. پس در آنچه او شما را به سوی آن فرا خوانده و بدان برانگیخته بیندیشید. و آهنگ راه او کنید و راه روشن او را بپیمایید « و راهها [ی دیگر] که شما را از راه وی پراکنده می سازد، پیروی مکنید».

بی تردیـد امروز (روز عیـد غـدیر) موقعیت عظیمی دارد، در این روز گشـایش رخـداده، نردبـان [تکامـل] برافراشـته شـده و دلیل ها آشکار گشته است.

امروز، روز ظاهر گشتن و پرده برگرفتن از مقام پیراستگی (عصمت و امامت) است.

امروز، روز کمال یافتن آیین است.

امروز، روز پیمان بسته شده و روز شاهد و مشهود است، روز نمایان ساختن پیمانها از دوروییها و انکارهای آگاهانه است.

امروز، روز بیان حقایق ایمان است. روز راندن شیطان و روز دلیل استوار است.
« امروز، همان روزی داوری است که آن را تکـذیب می کنیـد» این روز «ملأاعلی» (فرشـتگان بالا و والا) است که «درباره ی آن به ستیز برمی خیزند» و این روز «نبأ عظیم است که از آن روی بر می گردانید» این روز راهنمایی است ، روز آزمون بندگان است.

روز دلیل بر پیشهنگان و ره نمایان است.

امروز، روزی است که آنچه در سینه ها پنها نب ود و توطئه های نهان، اشکار گشت.
امروز ، روزی است که نصها و تصریحها درباره ی خاصان و افراد ویژه ، اعلان شد.
امروز، روز شیث است.
امروز، روز ادریس است.
امروز، روز یوشع است.
امروز، روز شمعون است.
امروز، روز آسودگی بی گزند است. امروز، روز آشکار ساختن چیزی است که در نهان، پاسداری شده است.
امروز، روز عیان شدن رازهاست. امیرالمؤمنین علیه السلام پیوسته می فرمودند: امروز، روز... امروز، روز...
(سپس افزودند):
پس مقام خداونـد را پاس داریـد، پروا پیشه کنید، به فرمان او گوش فرا دهید، از او فرمان پذیرید،ا ز نیرنگ، دوری گزینید، با او به فریب نپردازیـد، درونهایتان را بکاویـد و با او مکر به کار نبرید، با توحید خداوند، و با اطاعت از کسـی که خداوند، به اطاعت از او فرمان داده است به سویش تقرب جویند «و به پیوندهای قبلی کافران، متمسک نشوید» (پایبند نباشید).
تباهی، شما را متمایل نکند تا با اطاعت از گمراهان، و گمراه کنندگان بیراهه روید.
خداونـد برین (که گوینـدهی ارجمنـد است) گروهی را در قرآن نکـوهش می کنـد [که وصف اطـاعت کورکورانه ی خویش می گویند:] «پروردگارا، ما رؤسا و بزرگتران خویش را اطاعت کردیم و ما را گمراه ساختند».
«پروردگارا، آنان را دو چندان عذاب ده و لعنتشان کن لعنتی بزرگ».
و خداوند برین فرمود: « آنگاه که در آتش ، به بحث می پردازند، ناتوانان به گردنکشان می گویند: ما پیروان شما بودیم، آیا چیزی از عذاب خدا را از ما دور می کنید؟ می گویند اگر خدا ما را هدایت کرده بود قطعاً شما را هدایت می کردیم».
آیا می دانید استکبار چیست؟
استکبار، اطاعت نکردن از کسی که مأمورید از او اطاعت کنید و برتری جویی بر کسی است که به پیروی ازاو فرا خوانده شده اید.
قرآن ، فراوان در این باره سخن می گوید. اگر کسی در آن بیندیشد او را (از انحراف) باز می دارد و پند می دهد.
ای مؤمنان، بدانیـد خدای برین و والا فرمود: « بی شک، خداوند دوست دارد، کسانی را که در راه او صف در صف، چنانکه گویی بنایی ریخته شده از سرب اند، پیکار می کنند».
آیا می دانید راه خدا چیست و چه کسی راه اوست؟ چه کسی صراط اوست؟ چه کسی طریق اوست؟
من «صراط» خدایم صراطی که اگر کسی آن را با اطاعت خدا نپیماید، در آتش افکنده می شود.
من راه اویم، راهی که برای پیروی مردم، پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر گماشته شد.
من تقسیم کننده ی بهشت و دوزخم.
من حجت خدا بر تباه کاران و نیکوکارانم.

من نور انوارم.

پس از خواب غفلت، بیدار شوید و پیش از فرا رسیدن مرگ، به انجام کار، بشتابید، و به سوی آمرزش خدایتان پیشی گیرید، پیش از آن که در فرا روی باطن رحمت و ظاهر عذاب ، دیوار کشیده شود.

آنگاه ندا سر می دهید و کسی گوش فرا نمی دهد و ناله بر می آوربد و کسی از نالیدن شما باکی ندارد. و پیش از آن که به زاری کمک بخواهید و کسی به د ادتان نرسد.

پیش ازا ین که فرصتها از دست برود به سوی طاعتها بشتابید. محققاً تباه سازنده ی لذتها (مرگ) به سویتان آمده است. و هیچ راه گریز نجات بخشی و فرصتی برای رهایی و روی گرداندن نیست.

خداوند، رحمتتان کند. پس از سپری شدن این اجتماع، با گسترش دادن در هزینه و لوازم خانواده تان به سوی آنها باز گردید و به برادرانتان نیکی کنید خدای را بر آنچه به شما بخشیده است، سپاس گویید.

با هم اجتماع کنید، خداوند جدایی و پراکندگی شما را سامان می بخشد و به یکدیگر نیکی کنید، خداوند، الفت شما را پایدار می سازد، نعمت های خدا را به یکدیگر، هدیه دهید همان گونه که خداوند، چندین برابر عیدهای پیشین و عیدهای آینده به شما پاداش داد پاداشی که تنها ویژه ی چنین روزی است.

نیکی کردن در این روز، ثروت را ثمر بخش می سازد و بر عمر، می افزاید.

همدردی کردن و مهرورزی با یکدیگر در این روز، رحمت و عطوفت خداوندی را جلب می کند.

آن اندازه که توان دارید از فضل خداوند، برای برادران و خانواده تان، با بذل آنچه موجود است، آماده و فراهم سازید.

لبخند و شادمانی را در میان خویش و در برخوردهایتان ، آشکارنمایید، و ستایش و سپاس خداوند را بر آنچه به شما بخشیده است، نمایان کنید.

و با نیکی و خیر فراوان، از آرزومندان و آنان که چشم به دست شما دوخته اند، بازدید کنید.

و در خوردنیها و آنچه در دست و در توان دارید با ناتوانایان ، مساوات و همسانی داشته باشید.

پاداش یک درهم (هزینه کردن در راه خدا) در این روز، برابر صد هزار درهم در روز دیگر است. و باز هم افزودن بر پاداش از سوی خدای برین و والا (مورد انتظار) است. و روزه ی در این روز از چیزهایی است که خداوند برین، بدان دعوت کرده است.

و پاداش عظیم در برابر آن نهاده به گونه ای که اگر بنده ای از بندگانش، از آغاز دنیا تا فرجام آن، روزها را به روزه داری و شبها را به نیایش سپری کند، همسان کسی که در روز عید غدیر مخلصانه روزه گرفته است، نمی شود و بدان حد نمی رسد.

و هر کس بدون در خواست برادر مومنش از او دلجویی و کارگشایی کند و با اشتیاق به او نیکی رساند، چون کسی است که در این روز، روزه گرفته و شبش به نیایش پرداخته است.

و کسی که در شامگاه روز غدیر، روزه ی روزه داری را بگشاید (افطاری دهد) بسان کسی که یک میلیون نفر را افطاری داده باشد.

در این هنگام، یک نفر برخاست و گفت: یاامیرالمؤمنین ، معنای « فئام» چیست؟

(« فئام» به معنای صد هزار است و ده بار در متن عربی کلام امیرالمومنین علیه السلام تکرار شده بود که برابر با میلیون می گشت).

حضرت، فرمودند: یعنی پاداش صد هزار پیامبر، صدیق و شهید.

اکنون چگونه است پاداش کسی که گروهی از مردان و زنان مؤمن را افطاری داده است؟

و من ضامنم که خداوند، او را امان از کفر و فقر ببخشد، و اگر در همان شب یا همان روز یا پس از آن روز، تا عید غدیر سال آینده بمیرد، بدون اینکه گناه کبیره ای انجام دهد پس پاداش او با خداوند است.

و کسی که برای برادرانش وام بگیرد و بدانها کمک کند، من ضامنم که خداوند، اگر نگهش دارد، او بپردازد و اگر جانش را بگیرد به عهده ی من باد (من از سوی او می پردازم).

و هنگمی که برخورد می کنید، دست بدهید و سلام کنید.

و در این روز، در به کارگیری نعمت ، آسان گیری کنید.

و باید این پیام را آن که حاضراست به آن که نبوده و آن که گواه است به کسی که دور بوده برساند. و باید دارا از بینوا و توانا از ناتوان، دلجویی کند، رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا به اینها فرمان داد.

(پس از این سخنان) امیرالمومنین علیه السلام خطبه ی جمعه را آغاز فرمودند و به جای نماز عید، نماز جمعه خواندند.

(پس از پایان مراسم) با فرزندان و شیعیان خویش به منزل ابومحمد، امام حسن مجتبی علیه السلام رفتند، تا آن غذایی را که برای ایشان آماده کرده بودند (صرف کردند)، ثروتمند و مستمند، همراه با عطیه ای به سوی خانمان خویش بازگشتند.

(و این گونه روز عید غدیر امیرالمومنین علیه السلام سپری شد خاک کویش سرمه ی چشممان باد).

پی نوشت ها:

(۱)التهذیب ج۶ ص ۲۴، ح ۹، وسائل الشیعه ج ۱۰ ص ۳۰۲ ح ۱)

(۲)- مصباح شیخ طوسی/ص۶۹۶ ، مصباح کفعمی/ص ۶۹۵ ، مناقب بن شهرآشوب/ج۳/ ص ۴۳ ، بحارالانوار /ج۹۷/ ص ۱۱۲/ح۸ به نقل از مصباح الزائر سید بن طاووس، وسائل الشیعه/ج۷/ ص ۳۲۶، نورالثقلین /ج۲/ ص ۱۶۰/ح ۱۲۱ و ج ۵/ص ۳۰۵/ح۲۵، الغدیر/ ج۱ / ص ۲۸۴. یادآوری می شود که در مناقب، وسائل، نورالثقلین و الغدیر بخشی از خطبه ذکر شده است).

منابع و مآخذ

مصباح المتهجد/ شیخ طوسی/ تصحیح اسماعیل انصاری/ قم.

مصباح/ کفعمی/ منشورات رضی قم.

مناقب ال ابیطالب/ ابن شهرآشوب/ انتشارات ذوی القربی/ ۳۷۹ش.

بحارالانوار/ علامه مجلسی (ره)/ انتشارات اسلامیه/ ۱۱۰جلدی.

نورالثقلین/ حویزی.

الغدیر/ علامه امینی/ دارالکتب العربی/ بیروت/ ۱۳۹۷ق.

وسائل الشیعه/ شیخ حر عاملی/ احیاء التراث / بیروت.

التهذیب/ ابوجعفر طوسی/ دارالتعارف/ بیروت/ ۱۴۰۱ ه.ق.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابـل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عـده ای خیر انـدیش اداره و تامین گردیـده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضـر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صـاحب اصـلی ایـن خـانه (قـائمیه) امیـد داشـته و امیـدواریم حضـرت بقیه الله الاـعظم عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف تـوفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شـماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شـماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سـندش، از امام حسـین علیه السـلام -: هر کس عهـده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جـدا کرده است و از علوم مـا که به دسـتش رسـیده، به او سـهمی دهـد تا ارشاد و هـدایتش کنـد، خداونـد به او می‌فرمایـد: «ای بنـده بزرگوار شریـک کننـده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سـزاوارترم. فرشـتگان من! برای او در بهشت، به عـدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسـکری علیه السـلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشـتن بینـوایی ضـعیف را دارد و تـو او را از دسـتش می‌رَهـانی، یـا مردی نـاصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضـعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سـپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسـند زیـد: امام حسـین علیه السـلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخوانـد و او اجابت کنـد، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹